

تدابیر مبارزه اجتماعی و فنون سازماندهی در شرایط ترور و اختناق

حسن ماسالی

ششم مرداد ۱۳۸۳ برابر با ۲۷ ژوئیه ۲۰۰۴

hmassali@aol.com

مقدمه

وقتی می‌گوییم داریم مبارزه می‌کنیم و یا فلان سازمان دارد مبارزه می‌کند، بلافاصله در ذهن شنونده این سؤال مطرح می‌شود که برای چه؟ بنابراین "مبارزه" بدون هدف و برنامه مفهومی ندارد. مبارزه عبارتست از اعمال و تدابیری که منجر به تحقق اهداف و برنامه‌های مورد نظر شود. اما ضروریست توجه داشته باشیم که تدابیر مبارزاتی نیز متنوع هستند و درارتباط با خصلت اهداف و برنامه و همچنین براساس شرایط حاکم در سطح ملی و جهانی اتخاذ می‌شوند. به عبارت دیگر، تدابیرمبارزه اجتماعی را می‌توانیم از نظر علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و روانکاوی اجتماعی تعریف و تشریح کنیم و ضروریست که آن را به طرز علمی بیاموزیم.

داشتن هدف و برنامه‌های کوتاه مدت و درازمدت برای مبارزه

مبارزه می‌تواند به صورت انفرادی یا دسته جمعی دنبال شود: مبارزه برای احراز مقام و منزلت، مبارزه برای مال اندوزی، مبارزه برای سالم سازی محیط زیست، مبارزه برای برابری حقوق زن و مرد، مبارزه برای تامین حقوق کهن سالان، مبارزه علیه دیکتاتوری، مبارزه برای صلح و غیره. به عبارت دیگر، زندگی روزمره هر انسان تدابیری هستند که هر فرد برای تحقق امیال شخصی و اجتماعی اتخاذ می‌کند تا شرایط بقا و تکامل بخشیدن خود و هموعانش و همچنین محیطی که در آن به سر می‌برد را فراهم سازد.

از آن جا که انگیزه انسان‌ها، محیط و شرایطی که در آن زیست می‌کنیم، متنوع هستند و عوامل مختلف طبیعی، تاریخی (شرایط در مقطع زمانی مشخص) و اجتماعی در روند زندگی انسان‌ها اثر می‌گذارند، تدابیری که برای تحقق انگیزه‌ها اتخاذ می‌شوند نیز متنوع خواهند بود.

انسان‌ها در طول تاریخ تدابیر مختلفی برای بقا و تکامل بخشیدن مناسبات خود اتخاذ کرده‌اند که این تجارب به مرور تبدیل به مقررات و رهنمودهای عام اجتماعی شده‌اند. مثلاً: انسان‌ها آموخته‌اند که چگونه در برابر سرما، گرما، بیماری، جنگ، گرسنگی و یا دیکتاتوری خود را حفظ کنند و یا با آن‌ها به مقابله برخیزند. بنابراین مقررات عام مزبور را باید آموخت تا در شرایط خاص قادر باشیم دست به ابتکار عمل بهتری بزنیم.

تدابیر مبارزه اجتماعی در شرایط دمکراتیک و قانونی (جامعه باز)

تدابیر مبارزه در شرایط دمکراتیک دارای خصلت دمکراتیک خواهد داشت. به این معنی که افراد و گروه های اجتماعی می توانند با به کار گرفتن ابزار و شیوه های دمکراتیک، خواست ها و انگیزه های فردی و اجتماعی خود را مطرح کنند و یا از مناسبات اجتماعی حاکم انتقاد کنند و در شیوه های اجرایی و تحقق خواست های خود نظارت داشته باشند. تدابیر مبارزه در شرایط دمکراتیک مسالمت آمیز، باز و علنی خواهند بود و در چنین شرایط و مناسباتی مردم با شناخت متقابل از همدیگر و آگاهی از آنچه در جامعه حکمفرماست تصمیم گیری می کنند. در شرایط دمکراتیک، صاحبان قدرت سیاسی - اجتماعی برگزیده مردم هستند و وظیفه دارند که توسط نهادهای منتخب و مورد اعتماد مردم، خواست های مردم را به اجرا در آورند. در چنین مناسباتی، گروه های مختلف اجتماعی و سیاسی نیز نقش خود را بر اساس مبانی قانون اساسی و سایر مقررات سیاسی - اجتماعی ایفا می کنند.

از آن جا که مشکل اساسی جامعه ایران استبداد و دیکتاتوری می باشد، مبحث اصلی را به تدابیر مبارزه در شرایط ترور و اختناق اختصاص می دهیم.

تدابیر مبارزه اجتماعی در شرایط ترور و اختناق

همان طور که اشاره رفت، مبارزه اجتماعی به انگیزه های مختلفی ارتباط دارد که تحقق آن ها به شرایط معین و مشخص بستگی دارد. انگیزه های فردی و اجتماعی که از نظر علمی قابل بررسی هستند و در شرایط معین سیاسی - اجتماعی و تاریخی قابل تحقق می باشند، مورد توجه ما می باشند. به طور مثال، استقرار دیکتاتوری و استبداد سیاسی و استمرار بخشیدن این مناسبات از مشکلات اساسی جامعه ایران محسوب می شوند. استقرار دیکتاتوری های فردی، فرقه ای و طبقاتی موجب ایستایی و واپسگرایی مناسبات اجتماعی ایران بوده اند و مبارزات مردم تاکنون به نتیجه مطلوبی نرسیده است. بنابراین برای اتخاذ تدابیر مبارزه اجتماعی بر علیه استبداد و دیکتاتوری، ضروری است که به طور همه جانبه و علمی از خصلت ها و ماهیت آنان شناخت داشته باشیم و از طرف دیگر ضروری است که دلایل شکست و ناکامی مردم و مبارزین ضد دیکتاتوری را نیز مورد ارزیابی قرار دهیم تا قادر شویم تدابیری که برای مبارزه اجتماعی آینده اتخاذ می کنیم، متناسب با انگیزه ها و اهداف مردم باشند تا از تکرار و بازتولید شکست و ناکامی های گذشته جلوگیری شود.

تاکنون نظام های دیکتاتوری به اشکال مختلف: دیکتاتوری فردی، دیکتاتوری نظامی و دیکتاتوری مذهبی در ایران حاکم بوده اند که به منظور در انحصار گرفتن قدرت سیاسی و اقتصادی به ترور و اختناق متوسل شده و می شوند. مردم که از حق انتخاب و مشارکت و از مزایای مختلف دیگر اجتماعی محروم می شوند، به صورت انفرادی و گروهی به چاره جویی می پردازند تا منافع فردی و گروهی خود را تامین کنند و یا به مقابله بر می خیزند تا شرایط حاکم را به نفع مردم جامعه تغییر دهند.

مصالحه با دیکتاتوری ؟

در جوامع مختلف عناصر و گروه های اجتماعی فرصت طلبی یافت می شوند که حاضر نیستند به نفع مردم و جامعه و بر علیه دیکتاتوری مبارزه کنند، بلکه درصدد برمی آیند که فرصت طلبانه با دیکتاتورها مصالحه کنند تا به نحوی از مزایای حکومت دیکتاتوری بهره مند شوند. چنین افراد و محافلی برای توجیه عملکرد خود به تدابیر مختلفی متوسل می شوند و عملکرد خود را "زیرکی سیاسی" برای تامین منافع شخصی خود تو صیف می کنند. به طور مثال:

الف- روشنفکرانهای فرصت طلب که شیفته خودنمایی هستند، تلاش می کنند که پدیده دیکتاتوری را با جمله پردازی های تئوریک توجیه کنند. برای توجیه عملکرد خود حتی ضمن اهانت به مردم، ادعا می کنند که "مردم عقب مانده جامعه هنوز شایسته دمکراسی نیستند". یا اشک تمساح می ریزند و می گویند که "مردم گرسنه نیاز به بهبود اقتصادی دارند که از طریق پنجه آهنین دیکتاتوری قابل تحقق می باشد". یا مدعی می شوند که "بدون رشد اقتصادی، استقرار دمکراسی امکان پذیر نخواهد بود."

ب- برخی از عناصر نیز به خاطر این که در غارت منابع و ثروت ملی سهیم شوند، با دیکتاتورها همکاری می کنند و حتی آماده می شوند که در به کار بستن خشونت و ترور دگرانديشان نقش فعالی ایفا کنند.

ج- عده ای از افراد جامعه نیز تحت تاثیر تبلیغات ایدئولوژیکی و بنیادگرایانه مذهبی آن چنان تحمیق می شوند که حاضرند در ترور و جنایات بی رحمانه شرکت کنند (نمونه: در حکومت های هیتلر، موسولینی، استالین و خمینی).

این خصایل را در زمان شاه و در زمان رژیم خمینی شاهد بوده ایم. پس از روی کار آمدن خاتمی بخش بزرگی از ورشکستگان سیاسی و ساده اندیشان به خدمت رژیم درآمدند و صفوف نیروهای اپوزیسیون چندین سال مخدوش شده بود.

مبارزه علیه دیکتاتوری

در جوامع بشری عده کثیری نیز هستند که ب علت آگاهی سیاسی و رشد وجدان اجتماعی شان حاضر نمی شوند با نظام های دیکتاتوری مصالحه کنند و منافع اجتماعی را فدای منافع فردی خود کنند.

معمولا در جوامعی که مردم آن از سازمان یافتگی و نهادهای دمکراسی خواهی برخوردار نیستند، ابتدا بخشی بزرگی از مردم در برابر دیکتاتورها سکوت می کنند و رویدادها را با سوءظن نظاره می کنند. اما این گونه سکوت ها علامت رضایت نیست. مردم به مرور می آموزند که چگونه خودجوش و یا سازمان یافته در برابر دیکتاتورها ایستادگی و مبارزه کنند. در شرایطی که دیکتاتوری و ترور و اختناق حاکم می شود ابتدا تعداد محدودی از روشنفکران آگاه، دانشجویان و مبارزین سیاسی شجاعانه به طور علنی یا مخفی، سازمان یافته و یا با ابتکار فردی و خودجوش به مقابله برمی خیزند و مبارزه می کنند و به مرور سایر اقشار مردم که سکوت اختیار کرده بودند به دنبال پیشتازان مبارزه حرکت می کنند و مبارزه اجتماعی علیه دیکتاتوری شکل و محتوای غنی تری کسب می کند.

الف - مبارزه مسالمت آمیز بشکل مقاومت منفی

این گونه تدابیر مبارزه اجتماعی را نافرمانی مدنی نیز می نامند. به این معنی که مردم با اشکال مختلف از همکاری با رژیم امتناع می ورزند. کم کاری در ادارات و کارخانه ها، افشاگری روشنگری درباره ماهیت دیکتاتوری در میان اعضای خانواده، دوستان، در مدرسه، دانشگاه و کارگاه ها و ادارات، و در هرکوی و محله به طرز گسترده و همه جانبه دنبال می شوند. با رعایت مسائل امنیتی، روشنگری و جلب پرسنل نیروهای انتظامی و ارتش در دستور کار قرار می گیرند تا آنان در شرایط ضروری از اجرای فرامین سرکوب اجتناب ورزند و برنامه های سرکوب و ترور رژیم دیکتاتوری را عقیم بگذارند و یا اطلاعات درونی رژیم را در اختیار نیروهای دمکرات بگذارند و در شرایط سرنوشت ساز سیاسی، به نیروهای مردم و جنبش دمکراسی خواهی بپیوندند.

ب - مبارزه پیگیرانه و قاطعانه مسالمت آمیز

جنبه های دیگر مبارزه مسالمت آمیز اجتماعی این است که افراد به ضرورت کار دسته جمعی و سازمان یافته واقف می شوند و بر علیه دیکتاتوری به مقابله برمی خیزند. در جوامع مدرن و پیشرفته کنونی در جهان، مبارزات فردی به نتایج مطلوبی نمی رسند و ضروریست که افراد جامعه که دارای انگیزه های صنفی، سیاسی و یا اقتصادی مشترکی هستند ابتدا تشکیلات و سازمان مطلوب خود را به وجود بیاورند و اهداف و برنامه های سیاسی و برنامه عمل مبارزاتی خود را برای کوتاه مدت و درازمدت تدوین می کنند.

داشتن طرح و برنامه و چشم انداز سیاسی دارای اهمیت ویژه ای است. متناسب با هر طرح و برنامه سیاسی - صنفی ضروریست که اتحادیه های صنفی، گروه های سیاسی، گروه های کار برای اجرای طرح و برنامه ها ایجاد شوند. باید همچنین توجه داشته باشیم که مسائل و مشکلات اجتماعی در سطح ملی و جهانی به هم گره خورده اند و بسیار پیچیده هستند. غلبه بر مشکلات و راهیابی های مناسب سیاسی و اجتماعی از طریق یک فرد و یا یک جمع کوچک نه تنها امکان پذیر نمی باشد، بلکه خصلت ضد دمکراتیک نیز کسب می کند. لذا ضروریست که در هر گروه اجتماعی و تشکیلات سیاسی، رهبری دسته جمعی اعمال شود و مسئولیت ها به درستی بین مبارزین و کوشندگان اجتماعی تقسیم گردند و روابط انسانی سالم و مناسبات تشکیلاتی دمکراتیک و کارساز تنظیم شوند تا همه استعدادها به کار گرفته شوند تا تشکیلات و جنبش سیاسی کمتر دچار اشتباه و خطا گردد. همگام با این اقدامات ضروریست که امکانات مالی، تبلیغاتی و تکنیکی فراهم شوند، وگرنه مبارزه به انحراف کشیده می شود و یا از استمرار باز می ماند. تشکیلات سیاسی، جبهه یا جنبش دمکراسی خواهی مردم، موقعی می توانند به پیروزی دست یابند و به نتیجه مطلوب برسند که از پشتیبانی مردم برخوردار باشند. مردم نیز موقعی به پشتیبانی یک تشکیلات یا جنبش دمکراسی خواهی برمی خیزند که به برنامه سیاسی، رهبران آن تشکیلات و جنبش اعتماد داشته باشند و از عملکرد و پیگیری آنان در مبارزات اجتماعی راضی باشند. عامل مهم دیگری که از نظر روان اجتماعی در جوامع استبدادی و دیکتاتورزده نقش ایفا می کند. این است که تشکل های سیاسی مخالف رژیم بتوانند در برابر دشمنان دمکراسی قدرت

نمایی کنند. تشکیلات سیاسی و جنبش دمکراسی خواهی نیز موقعی قادرند قدرت نمایی کنند که با اقشار مختلف اجتماعی ارتباط داشته باشند و به اشکال مختلف آنان را سازماندهی کنند و قادر باشند با وجود ترور و اختناق در همه جا ابراز وجود کنند و نیروهای دشمن را کلافه و تجزیه کنند. تکیه به فنون سازماندهی در شرایط ترور و اختناق، تلفیقی از مبارزه علنی و مخفی، توجه به امر سازماندهی گسترده و سراسری در جامعه، موجب تداوم و استمرار مبارزه و جلب هرچه بیشتر اقشار ناراضی جامعه می شود و به این ترتیب شرایط اعمال قدرت متقابل اجتماعی نیز فراهم می گردد.

در ایران تجارب فراوانی در ارتباط با مبارزات مسالمت آمیز و یا قهرآمیز به دست آمده است که ضروریست مورد بررسی ما قرار بگیرند.

قریب به اتفاق سازمان های سیاسی سنتی و رهبران آن ها از مبارزات مسالمت آمیز درک نادرستی دارند. بی حالی و بی رمقی و فقدان قاطعیت سیاسی، عدم برخورداری از تشکیلات منظم و دمکرات را "مبارزه مسالمت آمیز" می نامند. با چنین بینشی گاهگاهی ابراز وجود می کنند و سپس در لانه های خود می خزند. فقدان برنامه ریزی درازمدت برای استمرار بخشیدن مبارزه، عدم توجه به نقش زنان و جوانان، برقرار کردن روابط فامیلی و خانوادگی در تشکیلات سیاسی و موروثی کردن رهبری جنبش، با خاطرات تاریخی گذشته و گرامیداشت خاطره شهدا نیروی مردم را تلف می کنند و مردم را با نوحه خوانی - به سبک آخوندها - مشغول می سازند. بینش و منش عقب مانده و ساختار تشکیلاتی فرسوده موجب می شوند که حتی در درون یک تشکیلات علیه همدیگر توطئه گری کنند. به همین دلایل نیز جنبش های سیاسی هر بار پس از چند جست و خیز احساساتی نهایتا با بحران و ناکامی مواجه می شوند.

تاریخ تحولات سیاسی ایران از انقلاب مشروطه تاکنون - خصوصا در سال های ۳۹ تا ۴۳ - و از جمله پس از فروپاشی نظام شاه نشان داده اند که در اثر کمبودهای فاحشی که در ساختار فکری - سیاسی - تشکیلاتی و رهبری سازمان های سیاسی سنتی وجود داشتند، عده ای از جوانان و مردم که از سازمان های مزبور سرخورده شده بودند، به مبارزه مسلحانه و قهرآمیز به عنوان استراتژی مبارزه برای کسب قدرت سیاسی روی آوردند.

تجارب تاریخی جهان و ایران نیز نشان داده اند که مبارزه مسلحانه و به کار گرفتن خشونت برای کسب و انتقال قدرت سیاسی، نهایتا موجب استقرار دیکتاتوری دیگری می گردد.

مبارزه مسالمت آمیز به این مفهوم نیست که همه شبکه های تشکیلاتی، رهبران و مبارزان جنبش دمکراسی خواهی را به دشمن معرفی کنیم و دشمن را از همه تاکتیک های مقاومت و مبارزه مطلع سازیم .

همیشه شرایط سیاسی و تاریخی معینی ایجاب می کند که عده ای از مبارزین اولیه که نقش پیشگام در مقابل نظام دیکتاتوری را ایفا می کنند، شناخته شوند و لذا بالاجبار بخش مهمی از فعالیت های آنان نیز علنی و شناخته می شوند. اما این به این مفهوم نباید باشد که این افراد همه ابتکارات سیاسی و تشکیلاتی خود را به روال سابق ادامه بدهند و برنامه های مبارزاتی را مواجه با مشکل سازند و مبارزین جنبش دمکراسی خواهی را از طریق تشکیلات بی در و پیکر به دشمن بشناسانند و قربانی کنند.

اتخاذ تدابیر گوناگون و ابتکار عمل در مبارزه اجتماعی برای تضعیف روحیه دشمن و بسیج مردم

اگر اشکال اصلی مبارزه اجتماعی را "مبارزه مسالمت آمیز" و یا "مبارزه قهرآمیز مسلحانه" فرض کنیم، سازمان دهندگان چنین مبارزاتی به ابتکارات گوناگون و به تدابیر دیگری نیز متوسل می شوند تا روحیه نیروهای دشمن را تضعیف کنند و زمینه های ذهنی مساعدی برای بسیج هرچه بیشتر مردم فراهم سازند. این ابتکارات و تدابیر در خدمت تدابیر اصلی مبارزه اجتماعی قرار می گیرند. به طور مثال: مبارزه اقتصادی سندیکاهای کارگران و کارمندان علیه رژیم برای کسب مزد و درآمد بیشتر و برای فلج کردن امور مالی و اداری نظام دیکتاتوری؛ مبارزه تبلیغاتی برای افشای رژیم و تبلیغ برنامه و دیدگاه های جنبش دمکراسی خواهی؛ انتشار اسناد محرمانه رژیم و افشای فساد مالی و تبهکاری های رهبران نظام؛ ایجاد مراکز تربیت کادر و پژوهشگاه های ویژه به منظور تربیت کارشناسان اجتماعی و پرورش کادر رهبری سیاسی به منظور استمرار بخشیدن مبارزه و مقابله با نیروهای واپسگرا و برای تضمین مدیریت آینده جامعه و همچنین ارائه طرح و برنامه برای نوسازی کشور.

تدابیری که برای مبارزه مسلحانه و یا مسالمت آمیز اتخاذ می شوند با همدیگر تفاوت دارند و هرکدام از شیوه های مبارزات مزبور نوع سازماندهی و ابزار کار متناسب خود را طلب می کند.

هدف از مبارزه مسالمت آمیز این است که تدابیری اتخاذ شوند که انتقال قدرت سیاسی از نظام دیکتاتوری به نیروهای دمکرات و منتخب مردم بدون توسل به خشونت تحقق یابد. اما باید توجه داشت که مبارزه مسالمت آمیز مردم و نیروهای دمکرات موقعی به نتیجه می رسد که نیروهای مردم از قدرت سازمان یافتگی گسترده و همه جانبه ای برخوردار باشند و رهبران جنبش دمکراسی خواهی قادر باشند با بسیج و سازماندهی اقشار مختلف اجتماعی و ایجاد قدرت متقابل اجتماعی شرایط فرسایش و تجزیه نیروهای دشمن را فراهم کنند و آن را به زانو درآورند.

مبارزه مسلحانه یکی از شیوه های مبارزه اجتماعی است که می تواند به عنوان تاکتیک یا استراتژی به کار گرفته شود. افراد و سازمان هایی که مبارزه مسلحانه را به عنوان استراتژی انتخاب می کنند، از فلسفه خشونت طلبی برای رسیدن به قدرت و برخورد با دگراندیشان جانبداری می کنند. چنین فلسفه و سیاستی عاقبت به دیکتاتوری می انجامد.

اما نیروهای دمکرات جهان مبارزه مسلحانه را به عنوان تدابیر تاکتیکی که جنبه دفاعی داشته است برای تحقق اهداف مرحله ای خود به کار بسته اند که به طور نمونه می توان از مقاومت مسلحانه نیروهای دمکرات اروپا در برابر نازیسم و فاشیسم نام برد. این نیروها از چپ تا محافظه کار پس از تشکیل جبهه واحد ضد فاشیسم با شرکت در جنگ پارتیزانی موفق شدند که هیتلر و موسولینی را در اروپا شکست بدهند و پس از آن دوباره به مبارزه و رقابت پارلمانتاریستی و شیوه های مسالمت آمیز روی آوردند.

باید یاد آور شد که ساختار سازمان های سیاسی - نظامی هر می شکل می باشد که با پذیرش دیسیپلین و دستورالعمل های سیاسی - نظامی فعالیت می کنند. سازمان هایی سیاسی که مبارزه مسلحانه را به عنوان یک تاکتیک می پذیرند، می توانند دارای شاخه نظامی مستقلی باشند که زیر نظر رهبری سیاسی - نظامی ویژه ای عمل کند.

در هر مبارزه اجتماعی، تبلیغات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. بدون کارزار تبلیغاتی هیچ مبارزه‌ای به نتیجه مطلوب نمی‌رسد. نیروهای دمکرات جهان در حال حاضر می‌توانند با به کار گرفتن ایمیل، اینترنت، رادیو و تلویزیون، قدرت سانسور نظام‌های دیکتاتوری را بشکنند و با افشاگری و روشننگری نیروهای مردم را بهتر بسیج کرده، در سازمان‌های مبارز متشکل سازند.

تلفیق مبارزه علنی و مخفی

مبارزه اجتماعی می‌تواند به شکل علنی، مخفی و یا تلفیقی از هر دو شکل تعقیب شوند. باید توجه داشت که مبارزه مخفی معمولاً در شرایط ترور و اختناق سازماندهی می‌شوند. سازماندهی مبارزه مخفی الزاماً به مفهوم طرفداری از خشونت نیست. بلکه تدابیری هستند که برای تحقق اهداف زیر اتخاذ می‌گردند:

الف- کادرها و کوشندگان مبارز از ضربات دشمن در امان باشند؛ ب - با حفظ کوشندگان مبارزه، استمرار

مبارزه

تضمین شود؛ ج- با استمرار مبارزه نیروهای دشمن تجزیه و فرسوده شوند؛ د- از طریق سازماندهی مخفی شبکه‌های سیاسی - مبارزاتی در سراسر کشور ایجاد می‌گردد تا نیروهای دمکرات بتوانند شرایط رهبری قیام سراسری مردم را فراهم سازند و همچنین قادر باشند پس از فروپاشی دیکتاتوری از هرج و مرج و انتقامجویی‌های خودسرانه جلوگیری به عمل آورند.

رهبران جنبش دمکراسی با ایجاد شبکه‌های مخفی سیاسی- مبارزاتی قادر خواهند شد که از خودشان، از کادر و از کوشندگان جنبش دمکراسی خواهی حراست به عمل آورند و مانع از شکست و ناکامی جنبش دمکراسی شوند و توده‌های مردم را به آینده امیدوار سازند.

فنون و شیوه‌های سازماندهی

معمولاً هر سازمان سیاسی دارای برنامه و اهداف مرحله‌ای و کوتاه مدت و یا دراز مدت و استراتژیک می‌باشد. بنا براین، ضرورت دارد که سازمان‌ها برای تحقق اهداف و برنامه‌های سیاسی کوتاه مدت و یا درازمدت خود، تشکیلات (سازمان) سیاسی متناسبی نیز به عنوان ابزار کار به وجود بیاورند. مبارزین سیاسی موقعی می‌توانند تدابیر مبارزاتی خود را به کار اندازند که از ابزار تشکیلاتی متناسبی نیز برخوردار باشند تا به نتایج مطلوبی برسند. بدون سازمان یافتگی مردم و بدون سازماندهی مبارزه، کوشندگان سیاسی موفق نخواهند شد و مبارزه اجتماعی مردم نیز مواجه با شکست و ناکامی خواهد شد.

باید همیشه مد نظر داشته باشیم در جوامعی که در آن آزادی و دمکراسی حکمفرماست، تدابیر مبارزاتی و فنون سازماندهی نیز باز، علنی و دمکراتیک خواهند بود.

اما در جوامعی که در آن دیکتاتوری، ترور و اختناق حکمفرماست و مبارزه اجتماعی هنوز توده ای، سراسری و گسترده نشده اند، شیوه مبارزه و سازماندهی علنی را باید محدود کرد تا کوشندگان سیاسی و تشکیلات کمتر آسیب ببینند. در شرایط ترور و اختناق ضروریست که با ایجاد شبکه های سه تا هفت نفری در سراسر کشور مبارزین خود را سازماندهی کنند و تلفیقی از شیوه مبارزه علنی و مخفی در دستور کار قرار بدهند. این سیاست و شیوه کار تا زمانی ادامه می یابد که جنبش و تشکیلات سیاسی مورد نظر قادر باشد مردم سراسر کشور را به طور گسترده برای قیام و قدرت نمائی در برابر دیکتاتوری به میدان بیاورد.

هم اکنون در ایران مشاهده می کنیم سازمان هایی که فقط به شیوه مبارزه و سازماندهی علنی عادت کرده اند، رهبران و کوشندگان شناخته شده آن ها تحت کنترل رژیم دیکتاتوری قرار دارند. تمام ارتباطات پست، تلفن، ایمیل و رفت و آمده به منازل آنان تحت نظر دستگاه های سرکوبگر رژیم قرار دارند و در حقیقت به مهره های سوخته ای بدل می شوند که اگر افراد مبارز دیگر به آنان نزدیک شوند به مخاطره خواهند افتاد.

روند مبارزه و ضرورت رویارویی با دیکتاتوری موجب می شود که عده ای از مبارزین شناخته شوند. اما این امر مانع از آن نمی گردد که رهبران شناخته شده عاقبت اندیشی نکنند. رهبران علنی و شناخته شده جنبش دمکراسی خواهی ایران باید سازمان و همزمان خود را برای مبارزه ای سخت و درازمدت آماده کنند و لذا در اتخاذ شیوه ها و تاکتیک های مبارزه و در شیوه های سازماندهی تجدید نظر کنند. اگر رهبران مبارزین سیاسی که از طرف رژیم شناخته شده اند از پوسته کنونی خود خارج نشوند و با چشم انداز درازمدتی مبارزه را برنامه ریزی نکنند، رژیم قادر خواهد شد که با صحنه سازی های داخلی و زدوبندهای بین المللی و همچنین تشدید بخشیدن سرکوب، جنبش دمکراسی خواهی را ناکام سازد.

بارها شاهد آن بوده ایم که هرگاه مبارزین شناخته شده داخل کشور برنامه تظاهرات اعتراض آمیزی را اعلام می کردند، همه کوشندگان شناخته شده پیشاپیش دستگیر می شدند و رژیم قادر بود که حرکات اعتراضی را مهار کند.

حتی مطلع می شویم که نیروهای سرکوبگر تا آن جا پیش رفته اند که از اختلاف نظرهای درون تشکیلاتی افراد در این سازمان ها مطلع هستند و به طور هدفمند برای تفرقه در میان مبارزین سیاسی برنامه ریزی می کنند.

ترکیب شبکه های تشکیلاتی و نقش آنها

هر شبکه سیاسی - مبارزاتی در شرایط ترور و اختناق می تواند از سه تا هفت نفر تشکیل گردد. چرا سه تا هفت نفر؟ هر شبکه ی تشکیلاتی - مبارزاتی وظیفه خواهد داشت که به طور مستقل در همه زمینه ها عمل کند. لذا باید حداقل از سه نفر تشکیل گردد که بتوانند از عهده انجام امور خود برآیند. سه نفر تشکیل دهنده باید صاحب نظر، سازمانده، مبارز و دارای خصلت دمکراتیک باشند. یعنی در شرایط اضطراری و عدم دسترسی به رهبران کل جنبش، قادر باشند از نظریات جنبش دمکراسی خواهی دفاع کنند و آن را تبلیغ کنند. تشکیل دهندگان یک شبکه تشکیلاتی باید

از شخصیت هایی تشکیل گردد که نسبت به همدیگر و نسبت به مردم صادق و صمیمی باشند. در مبارزه برای استقرار دمکراسی چشم انداز روشنی داشته باشند.

افراد تشکیل دهنده هر شبکه باید بیاموزند که چگونه امکانات مالی و تکنیکی و تسهیلات لازم برای استمرار مبارزه خود را فراهم کنند. ضروری است که به فنون سازماندهی در شرایط ترور و اختناق آگاهی داشته باشند و نه تنها خودشان را حفظ کنند بلکه در راه گسترش و موفقیت مبارزه کوشا باشند.

به عبارت دیگر تشکیل دهندگان هر شبکه تشکیلاتی - مبارزاتی باید بیاموزند که خودکفا باشند. افراد هر شبکه تشکیلاتی که نقش سیاسی- مبارزاتی را برعهده می گیرند باید بین خود تقسیم کار کنند و هفته گانه و یا ماهیانه از نتایج کار خود جمع بندی به عمل آورند تا کمبودها و نواقص کارها را جبران نمایند. افراد تشکیل دهنده هر شبکه تشکیلاتی از حقوق مساوی برخوردار می باشند و در مسائل اساسی با همدیگر مشورت کرده تصمیم گیری می کنند و رهبری دسته جمعی را به اجرا در می آورند.

در شرایط ترور و اختناق ترکیب شبکه های تشکیلاتی نباید از هفت نفر تجاوز کند، زیرا ترکیب افراد هرچه گسترده تر باشد، تضمین امنیت شبکه مزبور و حفاظت افراد مشکل تر خواهد شد. گاه گاهی اتفاق می افتد که یک فرد در اثر بی احتیاطی و یا در اثر تصادف به خطر می افتد. در هر شبکه باید پیشاپیش چنین رویدادهایی را پیش بینی بکنند و مقررات و علامت گذاری خاصی را وضع کنند تا هر ملاقات و نشستی با رعایت مسائل امنیتی صورت بگیرد. در شرایط ترور و اختناق نباید با خوش خیالی و ناپختگی حرکت کرد.

هشیاری مبارزاتی در برابر توطئه ها و ترفندهای نیروهای سرکوبگر و محافل ارتجاعی

افرادی که در جنبش دمکراسی خواهی شرکت می کنند ضروریست که بیاموزند از خود، همزمان خود و آرمان های جنبش دمکراسی خواهی حراست به عمل آورند. یک مبارز دمکرات تنها کافی نیست که شجاع و مقاوم باشد، بلکه باید از توطئه ها و ترفندهای نیروهای ارتجاعی نیز آگاهی داشته باشد و با هشیاری عمل کند. نیروهای دشمن همیشه رودر رو و عریان عمل نمی کنند بلکه کوشش به عمل می آورند که از ضعف افراد و اختلافات درون تشکیلاتی جریان های سیاسی نیز بهره برداری کنند. نیروهای ارتجاعی گاهی با خشونت و گاهی در لباس دوست ظاهر می شوند.

نیروهای دیکتاتوری با امکانات مالی، قدرت نظامی و تجهیزات تکنیکی پیشرفته وارد کارزار می شوند. نیروهای دمکرات جامعه با پشتیبانی مردم و با استعدادهای خلاق خود به مقابله برمی خیزند. نیروهای دمکرات موقعی می توانند تعادل قوا را به نفع خود تغییر دهند که رابطه ای ارگانیک (سازمان یافته) با توده های مردم داشته باشند و به فنون سازماندهی و تدابیر گوناگون مبارزاتی تسلط داشته باشند. یکی از فنون مبارزه اجتماعی، شیوه مبارزه و مقابله با نیروهای سرکوبگر ارتجاعی می باشد. افراد و تشکل های دمکرات باید کوشش کنند از برنامه ها، شیوه های مقابله، ترفندها و حيله گری های نیروهای سرکوبگر مطلع شوند و آنان را خنثی سازند.

مبارزینی که از نظر پلیس ارتجاع شناخته نشده اند، هرگز نباید علنا با مبارزین شناخته شده تماس برقرار

کنند.

از تلفن منازل مسکونی خود برای گفتگو و قرارهای سیاسی نباید استفاده کنند. آگاه باشند که تلفن همراه (موبایل) افراد شناخته شده قابل کنترل می باشد (در زمان فلاحیان، وزارت اطلاعات دستگاه های مجهز الکترونیکی از آلمان خریداری کرده که می توانند امواج تلفن همراه اشخاصی را که تحت پیگرد قرار دارند، کنترل کنند). مبارزین سیاسی هنگامی که جلسه و ملاقات سیاسی دارند حتما باید تلفن همراه خود را خاموش کنند. زیرا از طریق کنترل امواج تلفن همراه، می توانند محل و مکان تجمع آنان شناسایی و ردیابی شود.

تا آن جا که امکان دارد مبارزینی که شناخته شده اند باید مبارزات و ارتباطات علنی خود را محدود کنند. مبارزینی که از طرف پلیس شناخته شده نیستند، در صورتی که در تظاهرات شرکت می کنند، باید از تاکتیک های "مقابله موضعی و گریز" برای فرسایش و همراه کردن نیروهای دشمن استفاده کنند.

نیروهای پلیس و ارتجاعی به آسانی می توانند در سازمان های سنتی فرسوده و بی رمق رخنه کنند و از آن طریق از برنامه های مبارزات علنی مطلع شوند. بنابراین در تماس با این گونه سازمان ها باید محتاط بود.

از ترفندهای مختلف نیروهای دشمن از جمله این است که کوشش می کنند از ضعف ها و جاه طلبی های افراد، از شرایط نامناسب خانوادگی و روابط خویشاوندی و خصوصی افراد مبارز اطلاعاتی به دست آورند و برآن اساس برنامه ریزی می کنند.

هر مبارزی باید درباره مکانی که زندگی می کند، با آدم هایی که معاشرت می کند، در محلی که جلسه می گذارد، از ابزاری که برای گذراندن امور خود استفاده می کند شناخت و آگاهی داشته باشد.

مبارزین سیاسی که در شرایط ترور و اختناق فعالیت می کنند، نباید کنجکاو باشند که از اسامی افراد و مناسبات سایر شبکه های تشکیلاتی مطلع شوند.

مبارزینی که در شرایط ترور و اختناق مبارزه می کنند، می توانند از طریق ایمیل و اینترنت و با رمزگذاری، امور شبکه های مختلف سیاسی - مبارزاتی را با همدیگر هماهنگ سازند.